

گفتگو با محسن حکیمی درباره آخرین وضعیت محمود صالحی

سیامک فرهی

دهم اسفند ماه هشتاد و شش

گفت و گو با محسن حکیمی درباره ی آخرین وضعیت محمود صالحی، فعال کارگری:

دودادگاه برای یک پرونده

محمود صالحی، فعال کارگری در پی تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه می، روز جهانی کارگر، از فروردین ماه امسال در زندان سنندج به سر می برد. با محسن حکیمی درباره آخرین وضعیت و دیگر فعالان دستگیر شده کارگری گفت و گو کرده ام.

در سال ۸۳، اول ماه می ۲۰۰۴ که مصادف بود با ۱۲ اردیبهشت، از من دعوت شده بود از طرف تعدادی از کارگران شهرستان سقز که در مراسمی که قرار بود خودشان برگزار کنند، در آنجا سخنرانی کنم. متأسفانه قبل از اینکه مراسمی و سخنرانی انجام شود ما مورد یورش نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفتیم و در همان یورش حدود سی تا چهل نفر دستگیر شدند که در همان شب اول منهای ۷ نفر، بقیه آزاد شدند.

ما یک شب را در زندان سقز بودیم و بعد ما را به زندان سنندج منتقل کردند و آنجا حدود ۹-۸ روز در سلولهای انفرادی زندان سنندج بودیم و مدام صبح زود بازجویی می شدیم، بعد از بازجویی های مکرر، ما را دوباره به سقز منتقل کردند و بعد از دو روز که ما در زندان عمومی بودیم با قرار وثیقه های سنگین (برای آقای صالحی و من هر کدام ۲۰۰ میلیون تومان) آزاد شدیم. دادگاه ما دقیقاً سه سال طول کشید و در این سه سال ما دو دور محاکمه شدیم، با یک اتهام واحد؛ تجمع و تلبانی برای اقدام علیه امنیت کشور.

به هر حال دور اول با وجود اعلام محکومیت های سنگین از جمله برای آقای صالحی به مدت ۵ سال زندان و سه سال تبعید در قروه و دیگران هر کدام سه سال و دو سال؛ این رای را تجدید نظر مردود اعلام کرد و همه را تیرئه کرد در دور اول. منتهی از آنجایی که اراده ای پشت این پرونده بود که هر طور شده تعدادی از این ۷ نفر را محکوم کنند، دور جدیدی از محاکمه را برای ما شروع کردند که در این دور دوم بالاخره ۴ نفر محکوم شدند از جمله آقای صالحی به ۴ سال زندان که یک سال آن تعزیری و ۳ سال آن تعلیقی بود و آقایان جلال حسینی و برهان دیوارگروبنده، هر کدام به دو سال حبس تعلیقی محکوم شدیم.

محکومیت آقای صالحی از چه زمانی شروع شد و وضعیت ایشان در زندان به چه صورتی بوده است؟

ایشان ۲۰ فروردین امسال که سال ۸۶ باشد از محل کارش ربهوده شد و به دایره اجرائیات برده شد، با این بهانه که گویا مسوولین می خواهند با ایشان در مورد مراسم اول ماه می مذاکره کنند. در حالیکه در همان جا آقای صالحی را توسط تیمی که از زندان سنندج آمده بود، منتقل کردند و از آن تاریخ تا الان با وضعیت وخیم جسمانی، هم از نظر کلیه و

هم از نظر قلب و رگهای قلب و گردن و پروستات، در زندان است.

در این مدت با وجود تمام تلاشهایی که شده تا به ایشان مرخصی بدهند که بیرون بیاید و معالجه شود، ولی جز موارد حادی که پیش آمده و ایشان دچار ضعف جسمانی شدیدی شده و مجبور شدند او را به بیمارستان توحید سنندج بیاورند و آنجا یک درمان موقتی کنند و فشار او بالا ببرند و دوباره برگردانند؛ تا الان هیچ اقدام موثری در مورد ایشان نکردند و آخرین وضعیتی که به هر حال آقای شریف، وکیل ایشان بیان می‌کردند این است که وضعیت جسمانی ایشان فوق‌العاده وخیم است و دچار ضعف شدید هستند و به رقم اینکه ۳ نفر از پزشکان متخصص بیمارستان توحید تایید کردند که ایشان توانایی زندان کشیدن را ندارد، پزشکی قانونی استان کردستان با این کار مخالفت کرده و گفته که ما تشخیص می‌دهیم ایشان زندان را تحمل کند. ولی به هر حال با وجود تمام فشاری که در مورد ایشان اعمال شده، ایشان باید در تعطیلات نوروز امسال قاعدتاً آزاد شود.

علت این برخورد چیست؟ آیا کارگران حق ندارند در روز مربوط به خودشان، مراسم برگزار کنند؟

دیکتاتوری سرمایه اینجا ایجاب می‌کند که حتی به کارگر اجازه‌ی برگزاری مراسم روز خودش را که در کل جهان یک روز پذیرفته شده است و ابتدایی‌ترین حق کارگر محسوب می‌شود، ندهند. اینجا با شدت عمل برخورد می‌شود و این بدلیل وضعیت خاص سرمایه‌داری ایران است که به هر حال روبنای سیاسی اینجا، چه به شکل سلطنتی قبل از انقلاب و چه به شکل مذهبی الان، جز سرکوب کارگران راه دیگری را نمی‌شناسد.

در اینجا به اینصورت است که حتی از دادن آزادی ابتدایی برای برگزاری مراسم هم امتناع میکنند، اینها احساس میکنند که اگر این نوع حق و حقوق را برای کارگر به رسمیت بشناسند، فضا باز میشود، به طوری که ممکن است برای اینها عواقب ناگواری داشته باشد. یک دلیل اصلی اینکه اینطور مراسم ابتدایی با این شدت سرکوب مواجه میشود به نظر من این است.

به عنوان یک فعال کارگری شما عقیده دارید که مهمترین مطالبات و نیازهای کارگران ما چیست؟

کارگران ما مطالبات بسیار عمیق و نهفته‌ای دارند که هیچکدام از اینها برآورده نشده و مدام سرکوب شده و حالت فیزیکی پیدا کرده که در واقع به آن فشار آوردند و این فزونی به نظر من هیچ بعید نیست که از زیر دست بجهد و منجر به اوضاعی که نباید، بشود.

اگر الان به خبرهای کارگری رجوع کنید می‌بینید که حتی تا ۱۸ ماه حقوق معوقه هم دیده میشود. (یعنی کارگر، کار کرده و ۱۸ ماه حقوق نگرفته) آن هم در این شرایط تورم و گرانی وحشتناکی که هست. شما فکر کنید کارگری که ۱۸ ماه حقوق نگرفته چگونه می‌خواهد زندگی کند. به هر حال مطالبات طبقه کارگری ایران، مطالبات گسترده و بنیادینی است که من فکر می‌کنم که این نظام از عهده برآوردن حتی ابتدایی‌ترین آنها هم ناتوان است.

خود شما هم به همراه چند تن از فعالین کارگری در ماه گذشته در پارک چیتگر دستگیر شدید. به این دستگیری هم اشاره‌ای داشته باشید.

این دستگیری برای خود ما هم بسیار عجیب بود. در پارک چیتگر، کارگران و فعالین کارگری گاهی روزهای جمعه می آیند و بحثهایی در مورد مطالباتشان می کنند و همراه با خانواده شان می آیند. ما بدون اینکه بدانیم مساله از کجا شروع شد از طرف نیروی انتظامی کسی آمد و مامور نیروی انتظامی آقای ابراهیم گوهری را که از اعضای سندیکای شرکت واحد هستند، صدا کرد و با خودش سوار ماشین کردند و با خود برد. ما به عنوان اعتراض به این کار به هر حال پیگیر کار ایشان شدیم و به آن پاسگاه مستقر در پارک چیتگر مراجعه کردیم منتهی خود ما هم به عنوان کسانی که به هر حال از نظر آنها علیه امنیت ملی اقدام کردیم، بازداشت شدیم و الان یک پرونده دیگری در جریان است که ما به خاطر آن در واقع دو هفته در زندان اوین بازداشت بودیم و با قرار وثیقه آزاد شدیم و الان منتظر هستیم ببینیم که در مورد این پرونده چه تصمیمی خواهند گرفت.

سیامک فرهی- رادیو زمانه

۱۰ اسفند ۱۳۸۶